

بخش اجتماعی – تا حالا شده است احساس پوچی و سردرگمی به سراغ‌تان بیاید و بی‌هدف روزها را به شب برسانید؟ به پیدا کردن خودتان و معنای واقعی زندگی در این همهمه و شلوغی فکر می‌کنید؟ شاید رابطه‌ای که در آن هستید، شغل یا عادات بد شما را از خودتان دور کرده باشند. شاید هم زندگی به‌طور کلی اسباب سردرگمی شما را فراهم کرده باشد. فارغ از دلیل مسئله، باید بدانید که تنها نیستید. این مسئله منحصربه شما نیست و هر انسانی، در برهه‌هایی از زندگی با آن روبه‌رو می‌شود. اما چاره چیست؟ چطور می‌توانیم در شلوغی‌های زندگی خودمان را گم نکنیم و هدف و معنایی برای زندگی قائل باشیم؟ این سؤالی است که در این مقاله به‌دنبال جوابی برای آن هستیم و نکته‌هایی برای سیدین به این هدف مطرح خواهیم کرد.

داستان یک تصادف

فوریهٔ ۲۰۱۷ بود که زندگیِ به‌معنای واقعی کلمه زیوررو شد. تصادف بدی با موتورسیکلت باعث آسیب دیدن مغزمن شد. البته من ده سال قبل‌تر از این حادثه خودم را «گم» کرده بودم. زمانی که در یک حادثهٔ رانندگی دچار شکستگی کمر شدم. این تصادف تازه، طبق آنچه دکترهایم می‌گفتند، باعث ضربه مغزی من شده بود. اختلالی که در آن کارکرد معمول مغز به هم می‌ریزد و علت آن معمولا وارد شدن ضربه‌های شدید و ناگهانی به سر است. مسئله تا حدی جدی بود که حتی امکان داشت قدرت راه رفتن را برای همیشه از دست بدهم.

خوشبختانه این حادثه من را زمین‌گیر نکرد. دوران توان‌بخشی را با موفقیت گذراندم و به زندگی روزمره برگشتم. از این نظر خوب از پس حادثه برآمدم. اما نکته‌ای که از توجه به آن غافل شدم، اضطراب پس از آسیبی بود که معمولا به‌دنبال چنین حوادثی مشکلات روحی و روانی ایجاد می‌کند.

زمانی که دچار آسیب مغزی شدم، تازه متوجه شدم که سال‌ها احساسات و هیجانات نهفته‌ام را سرکوب

می‌کردم. سعی می‌کردم بیشتر از این درباره مسائل و اختلالات مرتبط با ضربهٔ مغزی تحقیق نکنم. اما این کار من را بهتر که نکرد هیچ، بلکه روزبه‌روز اضطرابم را بیشتر کرد و علائم و نشانه‌های بیشتری از بیماری در من ظاهر شد.

مسئله‌ای که دربارهٔ آسیب‌ها و ضربه‌های این‌چنینی وجود دارد این است که به لایه‌های عمیق‌تری از ذهن انسان راه پیدا می‌کنند (ضمیر ناخودآگاه). اگر آزشان غافل شوید و به حال خود رها بشوند، با تجربه حادثه‌ای که درد ناشی از آن‌ها را به خاطر بیابرد، ناگهان زخم کهنه‌شان سر باز می‌کند و مثل سیلی که به صورت بزنند، انسان را غافلگیر می‌کنند.

سال‌های سال تلاش کردم از هیجانات، افکار و نشانه‌های ناشی از تصادف اولم فاصله بگیرم و فراموش‌شان کنم. می‌خواستم به هر قیمتی شده از آسیب روحی آن فاصله بگیرم. این شد که خودم را وقف کار و زندگی کردم.

متوجه این مسئله نبودم که نادیده گرفتن خاطرات ناخوشایند گذشته باعث وخیم‌تر شدن اوضاع می‌شود. روان‌شناس‌ها می‌گویند وقتی آسیب و حادثه‌ای جدی را تجربه می‌کنیم، با تمام انرژی‌مان تلاش می‌کنیم خاطرات حادثه را به لایه‌های ناخودآگاه ذهن منتقل کنیم. از هر چه ما را به یاد آن بیندازد دوری می‌کنیم و سعی می‌کنیم به زندگی روزمره توجه کنیم.

من از حادثهٔ جان سالم به در بردم و فکر می‌کردم همین برایم کافی است، اما اشتباه می‌کردم. در فراموش کردن خاطرات ناخوشایند برای خودم استنادی شده بودم. اما ضربه‌ای که به مغزم وارد شد، خواب فراموشی‌ام را پاره کرد. زمان آن رسیده بود که با گذشته‌ام رودررو شوم. حق انتخابی نداشتم. باید خودم را گم می‌کردم تا بتوانم دوباره خودم را پیدا کنم. می‌رسید چطور این کار را کردم؟ با تغییر رویه‌ای که پیش گرفته بودم.

آسیب روحی ناشی از حادثه در ضمیر ناخودآگاه جای می‌گیرد، بنابراین مسئله‌ای درونی است و به بدن ارتباط دارد. برای اینکه سرکوب خاطرات بدم را متوقف کنم، بیشتر به نیازهای روزانه ذهن، بدن و روحم توجه کردم و بیشتر برای این مسائل وقت گذاشتم.

به‌مرور یاد گرفتم هیجان‌ها و احساساتم را تحت‌کنترل بگیرم و بر آن‌ها تسلط داشته باشم (البته هنوز هم در حال یادگیری هستم) و مهم‌تر از آن، به نیازهایم توجه می‌کنم و از خط قرمزهایی که برای خودم در نظر گرفتم، محافظت می‌کنم. مراقبت از خودم دیگر برایم حکم کاری تجملی را ندارد. تبدیل به مهم‌ترین اولویتم شده است. روند درمان هنوز متوقف نشده است. طی دو سال گذشته، سعی کردم با تمام وجود به خودم عشق بورزم.

خودم را گم کردم و این مسئله باعث شد تا بتوانم دوباره به خودم توجه کنم و به خودم بیایم. به عقیده من همه ما این توانایی را داریم که از دل شلوغی‌ها و همهمه زندگی پیام و معنایی بیرون بکشیم. همه چیز با پذیرفتن ضعف‌های‌مان شروع می‌شود. اینکه دیگر احساسات و هیجان‌های نهفته را سرکوب نکنیم و با شجاعت، توانایی‌های‌مان را نشان بدهیم. حتی اگر نتیجهٔ نهایی تنها به تلاش‌های ما بستگی نداشته باشد.

۴ مرحله برای پیدا کردن خود واقعی‌تان در زندگی

چه طور در شلوغی‌های زندگی غرق نشویم

ماهیت زندگی شلوغی و آشفتگی است. باید وارد میدان شد و گاه‌به‌گاه، طعم نه‌چندان خوشایند ضربه‌های آن را چشید. در غیر این صورت کاری که می‌کنید اسمش زندگی نیست.

اگر واقعا می‌خواهید بدانید که چه کسی هستید، نباید با گم شدن مشکلی داشته باشید. این قدم اولیه برای پیدا کردن خود واقعی‌مان است. نکات زیر در مسیر پیدا کردن خود و دوری از سردرگمی در شلوغی‌های زندگی کمک‌حال‌تان خواهند بود:

۱. برای مدتی کوتاه از دنیای مجازی فاصله بگیرید

فاصله گرفتن از دنیای مجازی برای اینکه در شلوغی های زندگی غرق نشویم .



شاید مهم‌ترین مشخصهٔ دنیای امروز ما حضور گستردهٔ تکنولوژی در آن باشد. در چنین دنیایی به‌سادگی ممکن است از خود واقعی‌مان فاصله بگیریم.

تکنولوژی این امکان را برای‌مان فراهم کرده است که در کسری از ثانیه، با هر کس، در هر کجای این کره خاکی ارتباط برقرار کنیم. با استفاده از ابزارهایی که تکنولوژی در اختیارمان گذاشته است، به منابع اطلاعاتی بی‌انتهایی دسترسی پیدا کرده‌ایم و در هر زمینه‌ای که خواهیم، امکان کسب دانش بیشتر وجود دارد. اما نکته منفی‌ای که در خصوص آن وجود دارد، این است که باعث شده ما کمی از خودمان، یکدیگر و به‌طور کلی زندگی واقعی ، فاصله بگیریم.

کامپیوتر و تکنولوژی ارتباطات، واقعیت مجازی را برای‌مان به ارمان آورده‌اند. مجازی از واقعیت، یا به‌عبارت بهتر، چیزی که بسیار شبیه به واقعیت است، اما خود آن نیست. تکنولوژی تبدیل به پدیده‌ای شده است که امکان فرار از واقعیت های زندگی را برای‌مان فراهم می‌کند. تا به حال به این فکر کرده‌اید که به‌مدت یک روز، یک هفته یا حتی یک ماه از دنیای مجازی فاصله بگیرید؟ شکی نیست که حتی فکر کردن به آن هم مضرب‌تان می‌کند، این طور نیست؟

البته دنیای مجازی و تکنولوژی مزایای بسیاری دارند و دوری از آن‌ها، دالّ بر بد بودن‌شان نیست، بلکه هدف مهم‌تری برای این کار وجود دارد. هدف این است که به خودمان برگردیم و تمرکز و توجه‌مان را معطوف به آن چیزی کنیم که فقط و فقط برای خودمان اهمیت دارد.

هدف این نیست که به‌کل استفاده از محصولات مرتبط با تکنولوژی را متوقف کنید. کافی است تلاش کنید روزانه، حتی برای یک ساعت هم که شده، از این دستگاه‌ها فاصله بگیرید. سعی کنید با محیط اطراف و کسانی که کنارشان هستید ارتباط برقرار کنید و برای این کار، هر چه حواس‌تان را پرت می‌کند کنار بگذارید.

برای توجه به دنیای درونی و شناخت بهتر و تقویت ذهن و روح، به آرامش نیاز داریم. فاصله گرفتن از تکنولوژی برای مدتی محدود می‌تواند به فراهم شدن این آرامش کمک کند.

۲. کمی ریسک‌پذیر باشید

برای چند لحظه بی‌تعارف و صادقانه به زندگی‌تان فکر کنید… به نظراتان محافظه‌کارانه زندگی می‌کنید؟ اگر بیش از حد خودمان را درگیر مرز و محدوده‌های منطقه امن ذهنی‌مان کنیم، به‌مرور زندگی کسل‌کننده خواهد شد و احساس بکر بودن و هیجان‌انگیز بودن آن از بین می‌رود.

عمده‌ترین دلیل ناراضی بودن اشخاص از زندگی‌شان این است که میانه‌روی را به ریسک پذیری ترجیح می‌دهند. بیشتر ما مسیری را انتخاب می‌کنیم که ایمن‌تر و نزدیک‌تر به دنیای واقعی است (به‌جای اینکه دنباله‌روی ایده‌ها و تمایلات این‌چنینی باشیم) و اگر دنیای‌مان را به قایقی تشبیه کنیم، کمتر میلی به تکان دادن آن نشان می‌دهیم. این رویکرد قابل‌درک است. شنا کردن خلاف جهت آب و داشتن تمایلات و خواسته‌های متفاوت از عامه مردم پرمخاطره است.

ترجیح می‌دهیم همه‌چیز همین طور که هست باقی بماند تا آنکه میل به تغییر شرایط نشان بدهیم. این ماهیت انسان است. تکنولوژی‌های مرتبط با

{اجتماعی}

تصوربرداری از مغز این ادعا را تا حدود زیادی اثبات می‌کنند که انسان ذاتا میلی به ریسک‌پذیری نشان نمی‌دهد. متأسفانه میانه‌روی و محافظه‌کاری ما را به جایی نمی‌رساند. تجربه نشان می‌دهد این رویکرد در کوتاه‌ترین زمان ممکن احساس سردرگمی به وجود می‌آورد. زندگی اگر همیشه قابل‌پیش‌بینی می‌بود، ما هیچ‌وقت تغییر نمی‌کردیم. در نتیجه پیشرفت هم غیرممکن می‌شد.

تنها‌اصل پایدار این دنیا تغییر است. تغییر را در زندگی می‌توان به قطاری تشبیه کرد که همیشه در حال حرکت است. اگر نخواهید سوار آن شوید، از غافله جا می‌مانید. به همین سادگی. تنها راه ممکن برای خودشناسی این است که در

شرایطی قرار بگیریم که با آن احساس راحتی نمی‌کنیم. این طور به نقاط ضعف و قوت‌مان پی می‌بریم و می‌توانیم بهترین توانایی‌های‌مان را پیدا کنیم.
۳. به قضاوت‌ها و اظهارنظرهای دیگران توجه نکنید، رؤیاهای بزرگ داشته باشید

در زندگی همیشه کسانی هستند که برای‌تان ساز مخالف بزنند و به مسیری که انتخاب کرده‌اید خرده بگیرند. فرقی نمی‌کند چه کاری انجام بدهید یا چه بگویید، گریزی از قضاوت‌ها و اظهارنظرهای دیگران نیست. این به خودتان برمی‌گردد که از این مسائل تأثیر بگیرید یا نه. بیشتر مردم زمانی به دردرس می‌افتند که اجازه می‌دهند دیگران مسیر زندگی‌شان را تعیین کنند

ن باید تحت تأثیر صحبت‌های دیگران فکر کنید
آرزوهای‌تان عجیب‌وغریب و غیرقابل‌دسترس هستند. به خودتان ایمان داشته باشید. استیو جابز می‌گفت:
«نگذارید صدای درون‌تان در قیل‌وقال اظهارنظرهای اطرافیان ناپدید شود. با شجاعت

دنباله‌روی مسیری باشید که صدای درون و ادراک خودتان از این دنیا به شما دیکته می‌کنند. هیچ صدايي بهتر از این دو از آنچه آرزو دارید روزی به آن دست پیدا کنید شناخت ندارد. این‌ها مهم‌ترین راهنماهای ما در زندگی هستند.»
سرکوب آرزوهای یا خواسته‌ها، اولین قدم در مسیری است که ما را به رضایت دادن به کمتر از آنچه خواسته بودیم می‌رساند.

از ریسک‌پذیری نترسید و رؤیاهای بزرگ داشته باشید. تنها کسی که شما را از پیشرفت بازمی‌دارد، خودتان هستید. پس از سر راه خود ایده‌آل‌تان کنار بروید و بگذارید بال‌ووپر بگیرد.

حتی موفق‌ترین انسان‌هایی که پا به این کرهٔ خاکی گذاشتند هم هنگام برداشتن قدم‌های اول، به خاطر اهداف رؤیایی و بزرگ‌شان از تمسخر دیگران در امان نبودند. آیا این مسئله آن‌ها را دل‌سرد کرد؟ نه، شما را هم نباید دل‌سرد کند.

۴. حرف‌های درونی‌تان را به چالش بکشید

برای ایجاد تغییرات مهم در زندگی، باید از این عادت که همیشه خودمان باشیم کمی فاصله بگیریم. باید حرف‌های درونی‌مان را به چالش بکشیم. کسی که دانما با خودش می‌گوید «من خودم را گم کرده‌ام» یا «من اصلاح‌نشدمی هستم»، بر همین اساس زندگی خواهد کرد و به آنچه دوست دارد نمی‌رسد. این حرف‌های درونی ریشه در حالت پیشفرض مغز دارند. این حالت پیشفرض، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر حرف‌های درونی و چندقون آن‌ها است. نگرانی راجع به اتفاقات آینده یا آنچه دیگران فکر می‌کنند هم مرتبط با همین حالت پیشفرض است.

وقتی در زندگی احساس سردرگمی می‌کنیم، به‌سادگی می‌توان گرفتار ذهنیتی شد که در آن پذیرفتن چیزهایی که ازشان راضی نیستیم و خوشحال‌مان نمی‌کنند، مجاز است. این احساس «سردرگمی» اگر طولانی شود، ممکن است آن را به عنوان واقعیت اجتناب‌ناپذیر زندگی‌مان قبول کنیم.

حرف‌های درون‌تان چگونه هستند؟ اگر مدام از درون‌تان حرف‌های منفی سر بر می‌آورد، امیدتان را از دست ندهید. راهکارهایی برای تغییر شرایط و کنار گذاشتن باورهای تخریب‌کننده وجود دارد. باورهایی که امکان حرکت رو به جلو

و میل به تغییر را از ما می‌گیرند.

یکی از این راهکارها می‌تواند تکرار کردن روزانهٔ جملات تأییدکننده‌ای باشد که حاکی از امکان تغییر دادن شرایط فعلی زندگی باشند. تجربه روان‌شناس‌ها نشان داده است با استفاده از این جملات می‌توان افکار منفی را دور کرد و کمتر گرفتار تجربه‌های ناخوشایند گذشته شد.

حرف‌های درونی منفی را باید با حرف‌های مثبت جایگزین کرد. در این صورت می‌توانیم شرح حال سازنده‌تری دربارهٔ اینکه واقعا چه کسی هستیم و چه توانایی‌هایی داریم از خودمان بپنویسیم.

بعد از بیدار شدن اولین کاری که انجام می‌دهید تکرار جمله‌ای شبیه به این باشد: «من سردرگم نیستم. من در مسیری برای تحول حرکت می‌کنم.»

اگر با آن احساس راحتی نمی‌کنید، متناسب با سلیقه خودتان جمله دیگری بسازید. هر وقت احساس سردرگمی به سراغ‌تان آمد، با تکرار این جمله از شاخ و برگ گرفتن آن جلوگیری کنید.

هر آنچه برای افزایش بهره‌وری در صبح نیاز دارید

می‌شود؛ یک فنجان قهوه آماده می‌کند و شروع به نوشتن می‌کند.

به‌نظر گوتیزر، زود خوابیدن و استراحت کافی شبانه باعث می‌شود دشواری بیدار شدن در صبح زود کاهش یابد. وقتی به‌خوبی استراحت کرده‌اید و خواب خوب و راحتی داشته‌اید، سحرخیز بودن اصلا سخت نیست.

خوب است عاملی برای خودمان درنظر بگیریم که برای بیدار شدن و پیش رفتن به ما انگیزه بدهد. این عامل برای گوتیزر قهوه یا چای است!

۱۰ درصد شانس

پس از اراده و آمادگی و عمل، شانس هم بی تأثیر نیست!

تقریبا هم‌زمان با شروع این برنامه، گوتیزر سرپرستی توله‌سگی را به‌عهده گرفت. این حیوان هر روز، صبح زود نیاز به رفع حاجت پیدا می‌کرد! بیرون بردن و گرداندن توله‌سگ به او کمک کرد راحت‌تر به این روند جدید عادت کند.

گوتیزر این‌طور ادامه می‌دهد: «می‌توانم بگویم بخت یارم بود. این سگ کوچولو زمان خیلی مناسبی به خانه ما اضافه شد. اما هر کسی می‌تواند شانس را، مثلا با به‌عهده گرفتن مسئولیتی تازه، برای خودش خلق کند. به‌نظرم روش‌های مختلفی برای این کار وجود دارد، مانند دوستی که می‌خواهد صبح زود با شما بیدار شود یا تصمیم به دودیدن‌های صبحگاهی یا راه‌های دیگر.

شاید شما هم با من موافق باشید که خواب صبح‌گاهی خیلی دلپذیر است، باوجود این، خیلی‌های‌مان دوست داریم سحرخیز باشیم؛ سحرخیز باشیم تا کامروا شویم! شما در کدام دسته قرار می‌گیرید؟ سحرخیزها یا شب‌زنده‌دارها؟ اگر سحرخیز هستید، چطور آن را به عادت تبدیل کرده‌اید؟ از ساعت‌های آغازین روز چطور بهره می‌برید؟

سال نوزدهم / شماره ۵۲۴۵

سلامت

قصه‌ای که دختر دانشجو ساخت

بخش اجتماعی – چند روز قبل مرد میانسالی پیش پلیس رفت و در حالی که از ناپدید شدن دخترش خبر می‌داد گفت دخترم صبح دیروز برای رفتن به دانشگاه خانه را ترک کرد اما دیگر خبری از او نشد. هر چه با تلفن همراهش نیز تماس می‌گیرم خاموش است. به سراغ دوستان و هم دانشگاهی‌هایش هم رفتم اما کسی از میترا خبری ندارد.

با شکایت مرد میانسال بلافاصله به دستور بازپرس جنایی تحقیقات آغاز شد. در نخستین گام کارآگاهان به سراغ بیمارستان‌ها و کلانتری‌ها رفتند اما هیچ رد و سرنخی از میترا به‌دست نیامد.

ماجرای آدم ربایی

بررسی‌ها برای یافتن دختر جوان ادامه داشت تا اینکه ۷۲ ساعت بعد پدر میترا دوباره به سراغ پلیس آمد و گفت: دخترم را دزدیده و او را بشدت شکنجه کرده‌اند. آدم رباها پای او را با چاقو مجروح کرده‌اند. اما دخترم توانسته فرار کند او ساعاتی قبل با وضعیت جسمی و روحی خیلی بدی خودش را به خانه رساند. به‌دنبال این تماس، تحقیقات ادامه یافت و در نهایت مأموران پلیس با شکایت دختر جوان موفق به دستگیری فرد آدم را شدند.

شهرام، مرد میانسالی که به این اتهام بازداشت شده بود، گفت: آدم ربایی در کار نیست. من و میترا دوست بودیم روز مورد نظر او را سوار ماشینم کردم و به خانه باغی که در اطراف تهران داشتم بردم. چند روزی باهم بودیم اما وقتی میترا متوجه شد من، همسر و فرزند دارم تصمیم گرفت که مرا ترک کند و به خانه برگردد. اما از آنجایی که رویش نمی‌شد به خانه برگردد و پاسخگوی سوالات پدر و مادرش باشد با چاقو پایش را زخمی و شروع به خودزنی کرد. بعد از آن هم راهی خانه شد. این درحالی بود که پزشکی قانونی نیز اعلام کرد که ضربه چاقو خودزنی بوده است. باتوجه به نظریه پزشکی قانونی، مدارکی که در تحقیقات به‌دست آمد و اظهارات مرد میانسال، دختر جوان تحت بازجویی قرار گرفت.

فرار از مجازات

بدین ترتیب دختر جوان که دستش را رو شده می‌دید به نقشه آدم ربایی دروغین اعتراف کرد و گفت: در تلگرام با شهرام آشنا شدم. به من وعده و وعیدهای زیادی داد و ابزار علاقه کرد. من هم تصمیم به ازدواج با او داشتم. اما چون شهرام ۴۵ سال داشت به خاطر تفاوت سنی مطمئن بودم که پدر و مادرم با این ازدواج موافقت نمی‌کنند.

او ادامه داد: برای همین یک روز به بهانه رفتن به دانشگاه از خانه خارج شدم و به خانه باغ شهرام در خارج از تهران رفتم. چند روزی که آنجا بودم متوجه شدم که او زن و بچه دارد. به‌همین دلیل تصمیم گرفتم به خانه برگردم. اما از برخورد خانواده‌ام به شدت می‌ترسیدم. به‌همین دلیل تصمیم گرفتم خودم را زخمی کنم و به دروغ به آنها بگویم که مرا ربوده‌اند و از دست آدم رباها فرار کرده‌ام.

مرگ پسر ۶ ساله بر اثر گرمازدگی

بخش اجتماعی – معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی قم گفت: یک پسر ۶ ساله به دلیل ماندن بیش از اندازه در خودرو، گرمازده شد و جان خود را از دست داد. به گزارش ایلنا، به نقل از دانشگاه علوم پزشکی قم، «محمود پرهام» اظهار داشت: یک پسر ۶ ساله بر اثر گرمازدگی به بیمارستان کودکان حضرت معصومه (س) منتقل شد که علی رغم تلاش پزشکان به دلیل شدت گرمازدگی جان خود را از دست داد. وی بیان داشت: این کودک بر اثر ماندن داخل خودرو پدرش دچار گرمازدگی و مشکلات تنفسی شده بود که جان باخت. معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی قم تأکید کرد: این کودک هنگامی که به بیمارستان حضرت معصومه(س) منتقل شد، وضعیت بسیار نامناسبی داشته و فاقد علائم حیاتی بود.

دستگیری جاعلان تراول‌چک و دلار

بخش اجتماعی – جاعلان دلار و تراول چک توسط

مأموران پلیس تهران دستگیر شدند. حوالی ساعت چهار صبح روزگذشته عوامل گشت کلانتری شهدا حین گشت‌زنی در محدوده استحفاظی خود به سرنشینان یک دستگاه خودروی پراید که درحال جابه‌جایی لوازم بودند، مشکوک شده و برای بررسی موضوع وارد عمل شدند اما راننده پراید به محض رؤیت عوامل انتظامی متواری شد.

به گزارش ایسنا، با فرار راننده پراید تعقیب و گریز برای دستگیری این فرد آغاز شد و مدتی بعد مأموران راننده و دیگر سرنشین این خودرو را دستگیر و به همراه خودرو به کلانتری منتقل کردند.

با انتقال متهمان به کلانتری، مأموران اقدام به بازرسی از داخل خودرو کردند که در جریان آن حدود ۵۰۰ اسکناس‌های ۱۰۰ دلاری جاسازشده و جعلی به همراه مقادیری موادمخدر را از داخل پراید کشف کردند.

مأموران در ادامه با هماهنگی با سرپرست دادرسی ناحیه ۱۴ تهران وارد مخفیگاه متهم شده و در آنجا نیز ادوات تولید اسکناس جعلی از جمله چهار پرینتر و اسکنر مخصوص جعل اسکناس کشف شد.

همچنین در مخفیگاه متهم خانم جوانی نیز حضور داشت که مشخص شد وی با متهم در جعل اسکناس فعالیت دارد که این زن نیز به کلانتری انتقال یافت. سرهنگ رضا حیدری؛ رئیس کلانتری ۱۱۰ شهدا با اعلام این خبر گفت: شهروندان تا حد امکان از کارتهای اعتباری استفاده کرده و در صورت لزوم حین دریافت تراول، به شناسه‌های امنیتی تراول توجه کنند.